

واژگان ذی وجوه «هُدی»، «صَلَاة» و «رَحْمَة» در ترجمه‌های

فارسی و انگلیسی قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱

مصیب مرزبانی؛ کارشناس ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

علم وجوه یکی از دانش‌های علوم قرآن است که به موجب آن کلمات در موقعیت‌های گوناگون، بار معنایی متفاوتی پیدا می‌کنند. سه واژه هُدی، صَلَاة و رَحْمَة از واژگان ذی وجوهی هستند که در آیات مختلف، بار معنایی گوناگونی دارند؛ عدم توجه به این مسئله موجبات برداشت‌های نادرست از قرآن کریم را فراهم می‌آورد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای مثبتی بر این پرسش است که آیا ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن عملکرد مناسبی در معادل‌یابی این واژگان اتخاذ کرده‌اند؟ در واکاوی ترجمه‌های قرآن درباره معنای واژه‌های مذکور مشخص شد که در اکثر موارد مترجمان با عدم توجه به علم وجوه و سیاق آیات، به ترجمه این واژه‌ها پرداخته‌اند. ترجمه‌های خواجوی، عاملی، الهی قمشه‌ای، بروجردی، خسروی، طاهری و گرمارودی در معادل‌یابی صحیح سه واژه مورد نظر در برخی مواضع عملکرد مثبتی داشته‌اند. در میان ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم، عملکرد مثبتی در معادل‌یابی واژگان ذی وجوه مشاهده نشد. این مسأله چالشی بزرگ در میان این دسته از ترجمه‌ها محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، ترجمه‌های فارسی، ترجمه‌های انگلیسی، نقد، وجوه، هُدی، صَلَاة، رَحْمَة.

علم وجوه یکی از علومی است که توجه به آن در فهم معنای صحیح واژگان قرآن اهمیت به سزایی دارد و عدم توجه به آن مساوی با برداشت نادرست از کلام الهی است. با در نظر گرفتن خدمات مترجمان قرآن در امر ساده نمودن پیام الهی برای مخاطب غیر عرب، باید توجه داشت که خدمات آنها خالی از عیب و نقص نیست و کارآمدترین راه حل رفع آن عیوب، نقد علمی مواضع مشکل‌زای ترجمه‌ها است. در واقع نقد ترجمه در بازیابی ذهن افراد به سوی مسیر صحیح کمک شایانی می‌کند و البته شرط آن علمی بودن و رعایت اصل احترام به مترجمان محترم است. خوشبختانه در سال‌های اخیر مواضع نقد را با دیدی فراگیر و علمی در جهت بهبود سطح دانش‌های مختلف می‌نگرند که توسعه و پیشرفت در زمینه‌های علمی را سبب شده است. در جستار حاضر و به طور کلی با بررسی ترجمه‌های مختلف فارسی و انگلیسی که از قرآن کریم صورت گرفته مهم‌ترین چالش عدم وجود یک نظام قانده‌مند برای ترجمه با عنوان (نظریه ترجمه) است که مهم‌ترین شالوده‌ی حوزه‌ی نظری ترجمه محسوب می‌شود. در واقع مترجم در نظریه ترجمه به توصیف نظام‌مند روابط بین متغیرها می‌پردازد و از این رهگذر تاثیر هر یک از این متغیرها را بر معلول یعنی متن ترجمه شده بررسی می‌نماید. مترجم، کیفیت، هدف و تاثیر ترجمه بر مخاطب از جمله متغیرهایی هستند که امکان بررسی و مطالعه میان آنها در قالب یک نظریه ترجمه وجود دارد.^۱ بنابراین مترجم در این نظریه پیش از انجام دادن امر مهم ترجمه، به موارد دخیل در ترجمه و اسلوب و قوائد و نیز دشواری‌های آن تسلط می‌یابد و بعد از آن با تداخل این ضوابط و ذهنیت قبلی از ترجمه، بهترین و کم ایرادترین ترجمه را ارائه می‌دهد. با توجه به امر مهم و به نوعی حساس ترجمه (بالاخص ترجمه قرآن کریم) استفاده از (نظریه ترجمه) برای مترجمان وجوب خود را نشان می‌دهد و علت آن اهمیت فوق العاده این کتاب

الهی است که آیت الله معرفت رحمه الله در اهمیّت ترجمه قرآن بیان می‌کند: «ترجمه قرآن به دیگر زبان‌ها به منظور آشنا ساختن ملت‌های بیگانه از زبان عرب با حقایق و معارف قرآنی پیوسته یکی از ضرورت‌های تبلیغی به شمار رفته است. مبلغین اسلامی همواره با ترجمه و تفسیر آیه‌ها و سوره‌هایی از قرآن کریم مردم را به راه راست هدایت می‌کرده‌اند».^۲ با توجّه به اهمیّت ترجمه قرآن کریم، مهم‌ترین سؤال این پژوهش بیان عملکرد مترجمان فارسی و انگلیسی قرآن کریم در ارتباط با ترجمه واژگان ذی وجوه هُدی، صَلَاة و رَحْمَة است که با بهره‌مندی از علم وجوه، توجّه به سیاق آیات و آراء صحیح اندیشمندان علوم قرآن به دنبال پاسخ مناسب برای پرسش مطرح است. با در نظر گرفتن مشکلات فراوان و نارسایی‌های ترجمه‌های کنونی قرآن کریم و نیز اهمیّت این کتاب قدسی که اساس و پایه دین مبین اسلام است باید تا حدّ توان به تصحیح و نقد ترجمه‌های کنونی از قرآن پرداخت و با ارائه ترجمه‌های صحیح در اشاعه فهم بهتر از قرآن تلاش کرد.

۲. مفاهیم

۲-۱. معناسناسی ترجمه

برخی از لغت‌شناسان ترجمه را عربی و از ریشه (ترجم) گرفته‌اند^۳ و عدّه‌ای نیز آن را از ریشه (رجم) به معنای سخن گفتن از روی ظن و پندار دانسته‌اند.^۴ در *لسان العرب* ترجمه برگردان کلمات و عبارات یک زبان به زبان دیگر معنا شده است.^۵ ترجمه در معنای اصطلاحی عبارت است از فرآیند انتقال پیام از زبان مبدا به زبان مقصد^۶ و یا برگردان نوشته یا گفته‌ای از زبانی به زبان دیگر به دقیق‌ترین و طبیعی‌ترین وجه ممکن.^۷ پس بهترین تعریف در ترجمه قرآن آن است که بتواند مقاصد اصلی مدّ نظر خدای متعال را به ترجمه انتقال دهد.

۲-۲. معنا شناسی وجوه

وجه در لغت به معنای چهره، روی^۸ و جمع آن وجوه است.^۹ در تعریف اصطلاحی، علمی است که به منزله آن یک واژه در چند جای قرآن به یک لفظ و یک حرکت آمده است و در هر موضع معنایی، معنایی غیر از موضع دیگر داشته است و تفسیر هر کلمه به معنایی غیر از معنای دیگر، این همان وجوه است.^{۱۰} در کتاب اتقان سیوطی نیز آورده شده که وجوه همان لفظ مشترک است که در معانی متعدد استعمال می‌شود، مانند لفظ (أُمَّه) که در معانی متعدد استعمال شده است.^{۱۱} با توجه به مباحث فوق، در ادامه به بررسی و نقد ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن کریم در ترجمه واژگان ذی وجوه هُدی، صَلَاة و رَحْمَة پرداخته می‌شود:

۳. واژگان ذی وجوه هُدی، صَلَاة و رَحْمَة در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن

۳-۱. «هُدَى» در ترجمه‌های فارسی

لفظ هُدَى از منظر لغویون به معنای راهنمایی و هدایت ترجمه شده است.^{۱۲} واژه هُدَى در سوره (آل عمران: ۷۳) بازتاب‌های معنایی متفاوتی به دنبال داشته است: ﴿وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ ترجمه: و جز به کسی که از دین شما پیروی می‌کند، (واقعاً) ایمان نیاورید. بگو: در حقیقت هدایت، هدایت خداست. (اهل کتاب به همدیگر می‌گفتند: تصور نکنید که به کسی، نظیر آنچه به شما داده شده، داده می‌شود، یا در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث می‌کنند) بگو: در حقیقت (این) بخشش، به دست خداست؛ به هر کس (شایسته بدانند و) بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگری دانا است. تأمل در آیات ۶۷ تا ۷۳ سوره آل عمران^{۱۳} در ترجمه صحیح واژه هُدَى بسیار سودمند است. از آیه ۶۹

تا ۷۲ این سوره مرتب از واژه اَهْلِ الْكِتَابِ استفاده شده است. اهل کتاب به یهودی‌ها و یا پیروان یهود و مسیح اطلاق می‌شود.^{۱۴} سیاق این آیات به صورت مختصر این گونه است که در ابتدا و در آیه ۶۷، دین حضرت ابراهیم علیه السلام را دین حنیف و مسلمان می‌داند و بیان می‌کند که ایشان مسیحی و یهودی مذهب نبوده‌اند. در آیه ۶۸ نیز نزدیک‌ترین افراد به آن حضرت را پیروان دین پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. در آیات ۶۹ تا ۷۲ نیز مشخص است که یهودیان با کفرورزی به آیات قرآن، پوشاندن حق با باطل و نیز در صدد کید و نیرنگ برای فریب مسلمانان و بازگرداندن آنان از دین اسلام بودند. در یک جمع‌بندی از آیه ۶۷ تا ۷۲ مهم‌ترین محور، محور دین است. در آیه ۷۳ نیز ابتدا مسئله دین مطرح شده ﴿وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ﴾ که یهودیان می‌گویند: (ای مردم) جز به کسی که از آیین شما تبعیت کند، پیروی نکنید.^{۱۵}

پس از بررسی‌ها، بهترین معنا برای واژه هُدَى که مرتبط با سیاق آیه باشد معادل دین است. اگر واژه هُدَى به هدایت ترجمه شود مقصود و منظور آیه به درستی فهمیده نمی‌شود چون مشرکان با توجه به آیه ۳۰ سوره اعراف قائل به این هستند که هدایت یافته هستند ﴿... وَ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ و اگر در ترجمه «هدایت، هدایت الهی است» مطرح گردد؛ مخاطب در شناخت اصل هدایت متحیر می‌شود که منظور از آن هدایت یافتگی مشرکان است یا مسلمانان. بنابراین با ترجمه واژه هُدَى به دین، هم با سیاق آیات سازگار است و نیز با طرح این مطلب و قرار دادن آن در کنار آیه ۱۹ سوره آل عمران منظور و مقصود الهی از این آیه به طور کامل فهمیده می‌شود: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾؛ «در حقیقت دین نزد خدا، اسلام است و کسانی که کتاب [الهی] به آنان داده شد،

اختلاف نکردند، مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد، به خاطر ستم (و حسدی) که در میانشان بود و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، پس (خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خدا حسابرسی سریع است».^{۱۶} پس هدف آیه از بیان «دین، دین خداست» این است که «دین اسلام، دین خداست». همچنین در آیات بعد از آیه (آل عمران: ۷۳) و به صورت مشخص آیه ۸۵ همین سوره، خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾؛ «و هر کس جز اسلام، دینی بجوید (و برگزیند)، پس از او پذیرفته نخواهد شد و وی در آخرت از زیانکاران است». علاوه بر سیوطی که معنای درست دین را در ترجمه هُدَی در آیه (آل عمران: ۷۳) به کار برده است،^{۱۷} عدّه‌ای از مفسران نیز همین معنا را در نظر گرفته‌اند.^{۱۸}

در برگردان واژه هُدَی در آیه ۷۳ آل عمران مترجمان به گونه‌ای متفاوت عمل نموده‌اند. برخی مترجمان^{۱۹} معادل هدایت را ذکر کرده‌اند. به طور مثال آیتی چنین ترجمه‌ای ارائه داده است: «هدایت، هدایت خدایی است». مشخص است این گروه از مترجمان از معنای لغوی واژه استفاده کرده و به علم وجوه و نیز سیاق، توجه نکرده‌اند.

برخی از مترجمان نیز واژه هُدَی را به راه سعادت ترجمه کرده‌اند،^{۲۰} مثلاً الهی قمشه‌ای در ترجمه این آیه نوشته است: «راه سعادت آن است که خدا بنماید»؛ اما از منظر لغت شناسان معادل واژه راه صراط و سعادت، سعد است^{۲۱} و صراط السعد بی‌ارتباط به هُدَی و معادلی نامناسب است. از میان مترجمان، تنها ترجمه خواجوی به درستی معنای دین به کار برده شده: «دین، دین خدا {اسلام} است».

تعدادی از مترجمان در ترجمه واژه هُدَی اصطلاحاتی به کار برده‌اند که به نوعی تفسیری، غیر دقیق و خارج از محدوده علم وجوه و سیاق آیات به ترجمه پرداخته‌اند از جمله ترجمه‌ها؛ فضل و بخشش،^{۲۲} راه راست^{۲۳} و یا درست فزونی^{۲۴}

است. ترجمه مجتبیوی معانی بسیاری را برای واژه هُدَى در نظر گرفته که یکی از آنها (دین) است.

۲-۳. هُدَى در ترجمه‌های انگلیسی

مترجمان انگلیسی^{۲۵} واژه هُدَى را به guidance ترجمه نموده‌اند که به معنای راهنمایی، هدایت و ارشاد است.^{۲۶}

قابل توجه است که در میان تمامی مترجمان فارسی و انگلیسی تنها ترجمه خواجه‌نوی با دقت و توجه به علم و جوه و سیاق، واژه هُدَى را به دین ترجمه کرده است.

۳-۳. صَلاة در ترجمه‌های فارسی

صَلاة در لغت و در اصل به معنای دعاست و سپس به خاطر مشتمل شدن بر نماز-های یومیه که در آنان دعا وجود دارد به معنی نماز درآمد.^{۲۷} در مجمع‌البحرین ذیل آیه مورد بحث (هود: ۸۷) آورده که صَلاة در اینجا به معنای دین است.^{۲۸} ابن-منظور نیز به معنای رکوع و سجود (فریضه دینی) معنا کرده است.^{۲۹}

بررسی سیاق آیات ۸۷ سوره هود، بیانگر است که حضرت شعیب علیه السلام احکامی را به مردم گوشزد می‌کند که در دین و آیین خدا وجود دارد. از جمله این احکام یکتا پرستی، عدم گران فروشی (هود: ۸۴)،^{۳۰} عدم تعرض به مال مردم و عدم فساد در زمین (هود: ۸۵)^{۳۱} است. حال با توجه به این موارد که قبل از آیه ۸۷ سوره هود آمده و نیز برخی موارد که بعد از این آیه وجود دارد مانند اشاره حضرت شعیب علیه السلام به ضعف مردم در برابر خداوند متعال، توکل تنها بر خدا و مسئله معاد (هود: ۸۸)^{۳۲} و نیز ترساندن مردم از عذاب الهی است (هود: ۸۹)^{۳۳} این مطلب قابل اثبات است که حضرت با تذکرات مسائل دینی به مردم قصد اصلاح

جامعه را دارد (هود:۸۸) و آن چیزی که زیر مجموعه دستورات دینی است را به مردم گوشزد می‌نماید. پس ﴿أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ﴾ به معنای «آیا دینت تو را امر می‌کند» با سیاق آیه سازگاری بیشتری دارد و نیز معنای رسا و قابل فهم تری نسبت به ترجمه آیه نمازت تو را امر می‌کند را دارد. همچنین بهتر است گفته شود امر کننده انسان به سوی نیکبختی دین اوست که گستره عظیم و همه جانبه‌ای دارد؛ ولی اینکه نماز امر کننده انسان باشد مفهوم ناقص و غیر قابل فهمی را به دنبال دارد. همچنین مفهومی در سیاق آیات قبل و بعد آیه (هود:۸۷)^{۳۴} باشد که ما را به ترجمه صلاّة به نماز رهنمون شود وجود ندارد و سیاق بی شک بر دین دلالت دارد. به علاوه بسیاری از مفسران، صلاّة در این آیه را به دین ترجمه و تفسیر نموده‌اند.^{۳۵} سیوطی نیز واژه را به دین معنا کرده است.^{۳۶} اکنون ترجمه‌های ارائه شده از واژه صلاّة در آیه (هود:۸۷) را در اینجا می‌آوریم تا در پی آن عملکرد مترجمان مورد ارزیابی قرار گیرد:

تعداد کثیری از مترجمان^{۳۷} در ترجمه واژه صلاّة در آیه مورد بحث معادل نماز را به کار برده‌اند. این دسته از مترجمان تنها معنای ظاهری و لغوی را به کار برده‌اند و بدون در نظر گرفتن علم وجوه و سیاق، ترجمه‌ای از آیه ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال آیه (هود:۸۷) در ترجمه مشکینی این گونه آورده شده: (آیا نمازت تو را دستور می‌دهد).

بعضی ترجمه‌ها^{۳۸} واژه صلاّة به درستی و با در نظر گرفتن سیاق و علم وجوه به دین معادل گذاری شده است. شاهد مثال آن در ترجمه گرامرودی بدین شکل ذکر شده است: «آیا دینت تو را امر می‌دارد.»

۳-۴. صَلَاة در ترجمه‌های انگلیسی

prayer معادلی است که اکثر مترجمان انگلیسی^{۳۹} قرآن کریم برای واژه صَلَاة مد نظر گرفته‌اند. این واژه به معنای نماز است.^{۴۰} مشخص است این دسته از مترجمان همانند عدّه‌ای از مترجمان فارسی، معنای ظاهری و لغوی واژه را مدّ نظر گرفته‌اند. ترجمه‌ای که قرایی معادل واژه صَلَاة قرار داده است، مفهومی عام‌تر از نماز را «Worship» می‌رساند. این واژه در لغت نامه‌های انگلیسی به معنای پرستش آمده است؛^{۴۱} مشخص است که در ترجمه‌های انگلیسی معادلی مناسب در برگردان واژه صَلَاة به کار نرفته است.

۳-۵. رَحْمَة در ترجمه‌های فارسی

رَحْمَة به معنای بخشش و آمرزش،^{۴۲} نرم خوئی و عاطفه داشتن^{۴۳} و در مفردات راغب آن را به اقتضایی که سبب می‌شود به کسی مهربانی و نیکی کرد ترجمه کرده است.^{۴۴}

آیه ۱۰۶ سوره آل عمران^{۴۵} دو دسته از افراد در روز قیامت را معرفی می‌کند. دسته اول افرادی هستند که صورت‌هایشان سفید است و دسته دوم افرادی هستند که بعد از ایمان آوردن به خدا کافر شدند و به آنها گفته می‌شود بچشید عذاب را به خاطر آنچه که کفر ورزیده‌اید و چشیدن عذاب الهی تنها در جهنّم محقق می‌شود؛ چون مراد از یوم در آیه، روز قیامت است.^{۴۶} در آیه بعد (آل عمران: ۱۰۷) نیز از افرادی سخن می‌گوید که در روز قیامت وجهشان سفید است و در رحمت خدا خالد هستند. خالد در رحمت، در واقع کلیتی وسیع را به ذهن متبادر می‌کند و بهترین واژه که این کلیت را واضح می‌کند بهشت است؛ چون بنابر سیاق آیه قبل سیه رویان در روز قیامت در جهنّم و عذاب الهی گرفتار هستند، پس سپید رویان

در روز قیامت بی‌شک باید در بهشت خدا خالد باشند. سیوطی در آیه ۱۰۷ آل عمران ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْصَتْ وُجُوهُهُمْ فَمِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ «و اما کسانی که چهره‌هایشان سفید شده، پس در رحمتِ خدایند؛ در حالی که آنان در آن (رحمت) ماندگارند» را بهشت دانسته است.^{۴۷} بسیاری از مفسران نیز همانند سیوطی معادل مناسب را بهشت تشخیص داده‌اند.^{۴۸}

بسیاری از مترجمان^{۴۹} واژه رَحْمَةً را بدون ترجمه ذکر کرده‌اند. در ترجمه اشرفی این معنا در نظر گرفته شده: «و اما آنان که سفید شد رویه‌هایشان پس باشند در رحمت خدا؛ ایشان در آن جاودانند». رحمت خداوند مصادیق بسیاری را شامل می‌شود که مقصود از آن در آیه ۱۰۷ سوره آل عمران، تنها یک مصداق بوده و آن بهشت است. هم چنین در ترجمه‌های مجتبوی و عاملی نیز از معادل مهر استفاده شده که این ترجمه نیز لغوی است و مراد و مقصود آیه را نمی‌رساند. دسته آخر مترجمان با در نظر گرفتن سیاق و علم وجوه ترجمه صحیح را ارائه کرده‌اند.^{۵۰} به عنوان مثال الهی قمشه‌ای این گونه آیه را ترجمه کرده است: «و اما سپید رویان در رحمت خدا (بهشت) در آیند.»

۳-۶. رَحْمَةً در ترجمه‌های انگلیسی

mercy واژه‌ای است که اکثر مترجمان انگلیسی معادل واژه رَحْمَةً قرار داده‌اند که به معنای رحمت است.^{۵۱} این دسته از مترجمان، معنای لغوی و نامناسبی برای این واژه در نظر گرفته‌اند.^{۵۲} Grace نیز معادلی است که مرحوم صفار زاده در ترجمه انگلیسی خود به کار برده است که به معنای لطف و برکت الهی ترجمه شده است.^{۵۳} در ترجمه‌های انگلیسی بی‌توجهی به علم وجوه و سیاق آیات، موجبات ضعیف شدن ترجمه‌های آنها را فراهم آورده است.

نتیجه گیری

با بررسی سه واژه ذی وجوه هُدی، صَلَاة و رَحْمَة از منظر علم وجوه، سیاق و آراء اندیشمندان قرآنی به معنایی از این واژگان دست یافتیم. دستاورد پژوهش به طور کلی به سه نتیجه منتهی شده است:

۱. با بررسی سیاق آیات، علم وجوه و نیز برخی از تفسیرهای قرآن درباره واژه هُدی در آیه ۷۳ سوره آل عمران معنای دین را برای آن در نظر گرفتیم. در میان ترجمه‌های فارسی تنها ترجمه خواجوی به درستی به این معنا اشاره کرده بود؛ مجتبوی نیز چندین معنا برای این واژه در نظر گرفت که یکی از آنها معادل دین بود. در ترجمه‌های انگلیسی اصل در نظر گرفتن علم وجوه و سیاق رعایت نشده و هیچ یک از ترجمه‌ها به معنای دین اشاره‌ای نداشته‌اند.

۲. در مورد ترجمه واژه صَلَاة در آیه ۸۷ سوره هود معنای دین مناسب‌ترین معادل تشخیص داده شد. در میان ترجمه‌های فارسی خواجوی، طاهری، گرمارودی و عاملی به درستی دین را معادل واژه صَلَاة قرار دادند. عملکرد مترجمان انگلیسی در معادل یابی واژه مورد نظر نامناسب بود.

۳. ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، بروجردی، خسروی، طاهری و گرمارودی در معادل یابی واژه رَحْمَة به درستی ترجمه بهشت را به کار برده بودند. در ترجمه‌های انگلیسی همانند موارد قبلی در زمینه ترجمه واژگان ذی وجوه، دقت لازم را نداشته و این چالشی بزرگ در میان ترجمه‌های انگلیسی نام برده از قرآن کریم است که در هیچ کدام از موارد بررسی شده در پژوهش حاضر عملکرد مناسبی نداشته‌اند.

پی نوشت‌ها:

۱. حقانی، نادر، نظرها و نظریه‌های ترجمه، ۴۳-۴۴.
۲. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، ص ۱۸۷.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۵، ص ۱۹۲۸.
۴. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، ص ۱۲.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۶.
۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق ترجمه قرآن، ۳۰.
۷. ناظمیان، رضا، روش‌هایی در ترجمه از فارسی به عربی، ۳۳.
۸. قرشی، علی اکبر، قاموس القرآن، ج ۷، ص ۱۸۴.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۵۵.
۱۰. ابن جوزی، جمال الدین ابوالفرج، نزهه الاعین النواظ من علم الوجوه و النظائر، ۸۳.
۱۱. سیوطی، جلال الدین، اتقان در علوم قرآن، ج ۱، ص ۶۱.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۳۵؛ بستانی، فوادفرام، فرهنگ ابجدی، ص ۶۹.

۱۳. آیات ۶۷ تا ۷۳ سوره آل عمران: ﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَسْهَدُونَ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنْ الْهَدَى اللَّهُ هَدَى اللَّهُ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِينَا أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنْ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾. ترجمه آیات: ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حق‌گرای فرمانبردار بود و از مشرکان نبود در حقیقت، نزدیکترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند و (نیز) این پیامبر و کسانی که (به آیین او) ایمان آورده‌اند و خدا سرور مؤمنان است گروهی از اهل کتاب آرزو می‌کنند کاش شما را گمراه می‌کردند، در صورتی که جز خودشان (کسی) را گمراه نمی‌کنند و نمی‌فهمند. ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید با آنکه خود (به) درستی (آن) گواهی می‌دهید؟ ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل درمی‌آمیزید و حقیقت را کتمان می‌کنید، با اینکه خود می‌دانید؟ و جماعتی از اهل کتاب گفتند: «در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل

۳۱. ﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (هود: ۸۵).

۳۲. ﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ (هود: ۸۸).

۳۳. ﴿وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُمْ بِبَعِيدٍ﴾ (هود: ۸۹).

۳۴. ﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتِكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ﴾ (هود: ۸۷).

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۷۷؛ طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۷، ص ۲۵۹؛ حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، ج ۲، ص ۱۴۲.

۳۶. سیوطی، جلال الدین، اتقان در علوم قرآن، ج ۱، ص ۶۶.

۳۷. ترجمه‌های: آیتی، ارفع، معزی، نوبری، دهلوی، مصباح زاده، مشکینی، سراج، حلبی، نوبری، انصاری، صفار زاده.

۳۸. خواجوی، طاهری، گرماردی و عاملی.

۳۹. ترجمه‌های: صفار زاده، ایروینگ، شاکر، پیکتال، سرور، یوسف علی، محمد و سمیرا، آربری.

۴۰. آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ همسفر پیشرو آریان پور، ۳۵۳.

۴۱. همان، ۵۰۵.

۴۲. بستانی، فوادفرام، فرهنگ ابجدی، ۸۰۵.

۴۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۳۱.

۴۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۴۷.

۴۵. ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۶).

۴۶. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، ج ۲، ص ۱۲۸.

۴۷. سیوطی، جلال الدین، اتقان در علوم قرآن، ج ۱، ص ۶۷.

۴۸. طبری، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجمع، ج ۱، ص ۴۶۶؛ طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۹۷؛ طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۱۲؛ فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۴۹. اشرفی، انصاریان، برزی، پاینده، پور جوادی، روشن، سراج، شعرانی، مصباح زاده، دهلوی.
 ۵۰. الهی قمشه‌ای، بروجردی، خسروی، طاهری و گرمارودی.
 ۵۱. آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ همسفر پیشرو آریان پور، ۲۹۱.
 ۵۲. شاکر، ایروینگ، پیکتال، سرور، محمد و سمیرا، یوسف علی و آبروی.
 ۵۳. همان، ۲۰۴.

منابع:

قرآن کریم.

۱. آبروی، آرتور جان، ترجمه انگلیسی قرآن، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۲. آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ همسفر پیشرو آریان پور، تهران، نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه، ۱۳۸۵ش.
۳. آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.
۴. ابن جوزی، جمال‌الدین ابوالفرج، نزه‌ه الاعین النواظ من علم الوجوه و النظائر، تصحیح: محمد عبدالکریم الرفافی بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون بیروت، دارالجلیل، ۱۴۲۰هـ.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۷. احمد، محمد؛ احمد، سمیرا، ترجمه انگلیسی قرآن، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۸. ارفع، سید کاظم، ترجمه قرآن (ارفع)، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، ۱۳۸۱ش.
۹. اشرفی تبریزی، محمود، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۰ش.
۱۰. الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن، قم، انتشارات فاطمه الزهرا، چاپ دوم، ۱۳۸۰ق.
۱۱. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ق.
۱۲. انصاری خوشابر، مسعود، ترجمه قرآن، تحقیق: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۷ش.
۱۳. ایروینگ، تامس بالتین، ترجمه انگلیسی قرآن، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۴. بروجردی، سید محمد ابراهیم، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات صدر، چاپ ششم، ۱۳۶۶ش.
۱۵. بستانی، فوادفرام، فرهنگ ابجدی، تحقیق: مهیار رضایی، تهران، ناشر اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۱۶. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التاویل فی معانی التنزیل، تصحیح: محمد علی شاهین بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۷. پاینده، ابوالقاسم، ترجمه قرآن، بی جا، بی تا، بی تا.
۱۸. پور جوادی، کاظم، تحقیق: بهاء الدین خرمشاهی، ترجمه قرآن، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۰م.
۲۰. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت، دارالجلیل الجدید، چاپ دهم، ۱۴۱۳ق.
۲۱. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ملا محسن، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳ش.
۲۳. حقانی، نادر، نظرها و نظریه‌های ترجمه، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۶ش.
۲۴. حلبی، علی اصغر، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۲۵. خواجوی، محمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات مولی، ۱۴۱۰ق.
۲۶. دهلوی، شاه ولی الله، ترجمه قرآن، مدینه، نشر مجمع ملک فهد للطباعه المصحف الشریف، ۱۴۱۷ق.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۸. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
۲۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق ترجمه قرآن، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۳۰. _____، ترجمه قرآن، قم، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دار الذکر، ۱۳۸۳ش.
۳۱. رهنما، زین العابدین، ترجمه و تفسیر رهنما، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۴۶ش.

۳۲. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: مصطفی حجاری، کویت، دارالتراث العربی، ۱۴۱۹ق.

۳۳. سراج، رضا، ترجمه قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، بی تا.

۳۴. سرور، محمد، ترجمه انگلیسی قرآن، بی جا، الم هورست، بی تا.

۳۵. سیوطی، جلال الدین، اتقان در علوم قرآن، ترجمه: محمود طیب دشتی قم، نینوا، ۱۳۹۰ش.

۳۶. شاکر، محمد حمید، ترجمه انگلیسی قرآن، بی جا، نشر نیویورک، بی تا.

۳۷. شعرانی، ابوالحسن، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.

۳۸. صادق نوبری، عبدالمجید، ترجمه قرآن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۹۶ق.

۳۹. صفارزاده، طاهره، ترجمه قرآن، تهران، موسسه فرهنگی جهان رایانه‌ی کوثر، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.

۴۰. _____، ترجمه انگلیسی قرآن، بی جا، بی نا، بی تا.

۴۱. طاهری قزوینی، علی اکبر، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۸۰ش.

۴۲. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفترانتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.

۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه: مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.

۴۴. طبری، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجمع، تحقیق: واعظ زاده‌ی خراسانی مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.

۴۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق: احمد مبین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.

۴۶. طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا، بی نا، بی تا.

۴۷. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.

۴۸. عاملی، ابراهیم، تحقیق: علی اکبر غفاری، تفسیر عاملی، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ش.

۴۹. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.

۵۰. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۵۱. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۵۲. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التاویل، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۵۳. قرایی، سید علیقلی، ترجمه انگلیسی قرآن، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵۴. قرشی، علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۵۵. کاویان پور، احمد، ترجمه قرآن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات قرآن، چاپ سوم، ۱۳۷۸ش.
۵۶. گرمارودی، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات قدیانی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۵۷. مارمادوگ پیکتال، محمد، ترجمه انگلیسی قرآن، بی‌جا، نشر نیویورک، بی‌تا.
۵۸. مجتبیوی، سید جلال الدین، ترجمه قرآن، تحقیق: حسین استاد ولی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۱ش.
۵۹. مشکینی، علی، ترجمه قرآن، قم، ناشر الهادی، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۶۰. مصباح زاده، عباس، ترجمه قرآن، تهران، سازمان انتشارات بدرقه جاویدان، ۱۳۸۰ش.
۶۱. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.
۶۲. _____، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۶۳. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۵ش.
۶۴. معزی، محمد کاظم، ترجمه قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ش.
۶۵. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۶۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۶۷. میرزا خسروی، علی رضا، تفسیر خسروی، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ق.

۶۸. ناظمیان، رضا، روش‌هایی در ترجمه از فارسی به عربی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱ش.

۶۹. یاسری، محمود، ترجمه قرآن، تحقیق: مهدی حائری تهرانی، قم، انتشارات بنیادی امام مهدی عجل الله، ۱۴۱۵ق.

۷۰. یوسف علی، عبدالله، ترجمه انگلیسی قرآن، مدینه، دار القرآن رسمی عربستان، بی‌تا.

